

صنعت ایران قدیم

بقلم مسیو گدار

رئیس عتیقات

تاریخ ایران بعقیده عموم مورخین بدو دوره تقسیم میشود ، دوره اول از آغاز تاسیس سلطنت ماد بدست فراتورتس تا تسلط اعراب بر ایران ، و دوره دوم دوره اسلامی که از انقراض سلسله ساسانیان تا کنون امتداد می یابد .

ما درین مقاله از صنایع ایران در دوره اول یعنی از اوایل قرن هفتم پیش از میلاد تا نیمه قرن هفتم پس از میلاد بحث خواهیم کرد .

در جنگه وسیعی که بین رود دجله و بحر خزر و رود سند واقع شده است اندک زمانی پس از استقرار قبائل آریین ، سلطنت عظیم ایران تاسیس یافت و در مراحل اولیه قدرت خویش دولت آشور را سرنگون کرد و پس از پنجاه سال دائره تسلط خود را تا دریای روم و نوبه و بونان از مغرب و تارود سند از مشرق توسعه داد .

وقایع مهمی که در تاریخ ایران پس ازین بسط و توسعه عظیم روی داده مقاومت یونانیان در جنگ مازان و لشکر کشی خشایارشا بیونان و جنگهای سالامین و پلاته و حمله اسکندر و تشکیل دولتهای اشکانی و ساسانی و محاربات طولانی ایران با روم و روم شرقی و بالاخره حمله عرب و فتح نهادند است . مختصراً از آغاز تا پس دولت شاهنشاهی قدیم ایران تا انقراض دولت ساسانی چهار سلسله بزرگ یعنی مادها و هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان و تخت و تاج ایران دست یافته اند و صنعت نیز در هر يك ازین ادوار صورتی تازه گرفته است .

آریین های چادر نشین صحراگرد پس از آنکه بر ممالکتی وسیع تسلط یافتند برای اداره آن ناچار اصول اولیه تمدن را از مللی که پیش ازیشان بتمدن رسیده بودند

اقتباس کردند و چون خواستند قدرت و ثروت خود را بصورت آثار و ابنیه نمایش دهند باز ناگزیر وسائل و اصول فنی آنرا از ملل متمدنی که با ایشان رابطه داشتند اقتباس نمودند. سبک معماری و طرز تزئین قدیم ایرانی قطعاً از ملل قدیمتر تقلید شده و هیچیک از اصول فنی و صور معمولهٔ آن مخصوص ایران نیست. طرز بنای ستونها و سقفها و مقابری که بر صخره‌های بلند بنا مینهادند و همچنین قسمتهای حجاری شده‌ای که ذیل دیوارها را زینت میکرده است و پایه و قاعده بلند ابنیه هیچیک از مختصات صنعت ایرانی آن دوره نیست. ولی البته لازم نیست که نوازندهٔ سازی خود مخترع آن ساز باشد و همیشه وجود صنعتگر در امتیاز صنعت اویش از آلات و ادوات کار تاثیر دارد. صنعت اساساً تظاهر روح صنعتگر است بنابراین آنرا بیشتر از لحاظ معنی و روح باید مطالعه کرد نه از جهات فنی که ممکنست گاه با اصل آن متباین باشد.

حقیقت صنعت ایرانی را بعرا تب از روح نژاد آریائی بهتر میتوان دریافت تا از مطالعه در اساس و علل اولیهٔ ایجاد آن مثلاً ایرانیان بهیچوجه مجبور نبوده‌اند که بر سر دیوار ابنیهٔ خود بتقلید سبک آشوری کنگره‌هایی بسازند و هر گاه این تقلید در ابنیهٔ قدیمی ایران دیده شود آنرا نباید دلیل بی کفایتی یا احتیاج و اجبار شمرد بلکه میتوان گفت که ایرانیان سلیقهٔ سبک معماری آشوریان مغلوب را بعنوان غنیمت جنگ بسرمین خویش آورده و تقلید کرده‌اند.

صنعت ایران در نظر ماکار نژاد و زمان است. چون تمدن آریائی ناگهان بظهور رسید صنعت ایران نیز ناگهانی پدید آمد. اصول اولیهٔ آن از ملل قدیمه اقتباس شد ولی صنعتگران ایرانی در آن تغییرات گوناگون دادند و آنرا بذوق و سلیقهٔ مخصوص خویش آراستند. قسمی که از آن شاهکار تازه‌ای ایجاد شد که هر چند بگمان بعضی اختلاطی از سبکهای ملل قدیمتر است، ولی بواسطهٔ وزن و تناسب و وسعت نظر صانع دارای صورت مشخص و معینی است که استعداد ایرانیان را در اقتباس صنایع دیگران و اعمال ذوق در تغییر و تکمیل آن نشان میدهد.

صنعت ایران در دورهٔ ماد

(از حدود ۶۵۰ تا ۵۶۰ پیش از میلاد)

پیش از تأسیس سلطنت ماد فلات ایران مسکن قبائلی از نژاد آریین بود که

دسته‌ای از آنها در جبال شمال غربی بنام مادها و دسته‌ای در جنوب بنام پارسها زندگی میکردند. مادها که در مجاورت دولت آشور میزیستند و دیر زمانی نیز مطیع آن دولت بودند بواسطه این مجاورت زودتر از پارسها دارای تشکیلات سیاسی و نظامی شدند و دیری نگذشت که فرمانروایان قدیمی خود یعنی آشوریان را مغلوب ساخته قسمتی از آسیای صغیر را تصرف کردند و حتی بر قبائل هم‌نژاد خود یعنی پارسها نیز مسلط شدند و بدین طریق با تمدن‌های آشوری و هیتی و تمدن جدید یونان و ایونی مربوط گشتند. صنعت این قبائل کوهستانی خشن مجموعه‌ای از اصول فنی مختلطی بود که در نتیجه فتوحات خود از صنایع سایر ملل اقتباس کرده بودند و چون دوره فرمانروایی ایشان دیری دوام نیافت زمان آنکه باصلاح و تکمیل آن پردازند نیافتند و این امر بدست جانشینان ایشان یعنی هخامنشیان انجام گرفت.

از آثار ابنیه دوره مادی اکنون جز مقبره‌ای چند باقی نمانده است ولی وضع کلی قلاع و قصرشاهی پایتخت قدیم مد یعنی اکباتان یا همدان کنونی را از آنچه پلیب ۱ و هرودوت ۲ در آثار خود وصف کرده‌اند میتوان دریافت.

پلیب می نویسد: «برج و باره قصر سلطنتی قریب هفت طبقه است و شکوه و زیبایی ابنیه حاکی از قدرت و عظمت بناکنندگان آنست. با اینکه در این بنا فقط چوب ارز و سرو بکار برده‌اند در هیچیک از قسمتهای بنا چوب برهنه نمیتوان یافت و تیرها و هزاره‌ها و ستونهایی که زیر طاقها و طاق نماها زده اند همگی از ورقهای نقره یا طلا پوشیده است و در این قصر همه جا سفالهای نقره بکار برده‌اند ۳.»

هرودوت می گوید: «مادها... این شهر عظیم و مستحکمی را که اکباتان نام دارد ساختند. حصارهای مدور این شهر چنان ساخته شده که هر یک از آنها به ارتفاع کنگره‌های خویش از حصار زیرین مرتفع تر است و قاعده بنا که بصورت تلی است بنای اینگونه حصار را آسان نموده. اکباتان دارای هفت حصار است که قصر و خزینه شاه در حصار آخرین قرار دارد... کنگره‌های حصارها از حصار اول تا پنجم بترتیب

۱ - Polybe

۲ - Herodote

۳ - پلیب ج ۱۰، ص ۲۷

برند کههای مختلف سپید و سیاه و لاجوردی و آبی و سرخ متمایل نارنجی و کنگره‌های دو حصار آخر یکی نقره اندود و دیگری طلا قام بوده است ۱»

از تزیینات فوق که کلیات آنرا میتوان صحیح دانست چنین برمی آید که سبک معماری دوره مدی سبکی نظامی بوده است که آثار دیوارهای قطور و کنگره دار آنرا در حصارهای آشوری می بینیم، جز آنکه ماده‌ها در ابنیه خود چوب نیز بکار می برده‌اند و در ابنیه آشوری استعمال چوب متداول نبوده است. در ابنیه آشوری با آنکه سنگ و چوب در آن سرزمین فراوان بوده است ستون سازی معمول نبوده و فقط در زیر سقف اطاقهای کوچکی که بصورت چادر در جلو قصر آجری میساخته‌اند ستون زده می شده است. ولی چنانکه ژ. پرو^۲ می نویسد « دولت ماد پس از تسخیر نینوا و بسط دادن متصرفات خویش تا رود هالیس بقصوری احتیاج داشت که این اطاقهای کوچک سر مشق بنای آن نمیتوانست بشود. « پس سر مشق اصلی معماری قصور سلطنتی اکباتان را در جای دیگر باید جستجو کرد.

از جانب رود هالیس مادها با تمدن قدیمی هیتی که روز بروز بر اهمیت آن در تاریخ آسیای غربی افزوده میشود، مجاور بوده‌اند و هیتی‌ها در ابنیه خود، چنانکه پوتیه تحقیق کرده است^۳ غالباً چوب بسیار بکار می برده‌اند. در ابنیه ایشان ستونهای چوبی با پایهای سنگی تکیه گاه سردرها و سقفهای چوبی بوده است و همین طرز ستون سازی در تمام ابنیه ایرانی از زمان بنای قصر شاهی اکباتان تا امروز متداول بوده. جز آنکه در دوره ماد ستونها را با ورقه‌های نقره و طلا و در دوره صفویه با آئینه می پوشانیده‌اند. این نکته نیز قابل ملاحظه است که از دو قسم پایه ستون سازی معمول هیتی‌ها، معماری هخامنشی یکی یعنی پایه سنگی را اقتباس کرده و دیگری یعنی پایه چوبی نیز در ابنیه و آثار پس از اسلام مشاهده میشود و شکی نیست که روزی در خرابیهای اکباتان نیز پایهای ستون سنگی بدست خواهد آمد.

همچنین شك نیست که در دوره مادها صنعت حجاری ترقی فراوان داشته

۱ - هر دوت ج ۱ ، ص ۹۸

۲ - Gi-Perrv

۳ - Pottier صنایع هیتی

و گرنه هرگز هخامنشی ها نمیتوانسته اند این صنعت را در مدت کم بدان پایه ارجمند و پرمایه ای که در عصر کوروش داشته است برسانند و همچنین فرا گرفتن این صنعت از همسایگان دیگری مانند مردم کلدیه و آشور قدیم هم که از آن قسم حجاری استادانه بی اطلاع بوده اند بعید بنظر میرسد. علاوه برین در حدود کرمانشاهان و همدان و آذربایجان یعنی در قلمرو دولت مادی قدیم چندین مقبره سنگی از قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد کشف شده است که سبک ساختمان آنها قطعاً تقلیدی از سبک حجاری مال قدیمه ایست که در آسیای صغیر و ارمنستان میزیسته اند «و این سبک بوسیله صنعتگران مانده حجاران استادی که قبور عظیم نقش رستم و تخت جمشید را ساخته اند انتقال یافته و در حقیقت کارهای ایشان سر مشق استادان زبردست حجاریهای قصر هخامنشی بوده است»^۱ .

بعلاوه اخیراً در اطراف کرمانشاه اسلحه ها و آلائی از فرغ بدست آمده که بقرینه از آثار دوره استیلای دولت ماد است و بکارهای آشوری قدیم شباهت تام دارد ۲

و فی الحقیقه نمونه ای از صنایع فانی دوره سلطنت مادیه است .

صنعت ایران در دوره هخامنشی

(از حدود ۵۶۰ تا ۳۳۱ پیش از میلاد)

در حدود سال ۵۶۰ پیش از میلاد ، هنگام جلوس کوروش بتخت سلطنت ایران پادشاهی و قدرت از آرینه های شمالی به آرینه های جنوبی یعنی از مادها پارسها انتقال یافت و حکومت کشور ایران تا متجاوز از دو قرن در دست هخامنشی باقی ماند تا آنکه اسکندر مقدونی آندولت را در سال ۳۳۱ بر انداخت . درین دوره ایران بمنتهای عظمت رسید .

کوروش بابل ولیدی را گرفت و کامبوزیا مصر را تصرف کرد و داریوش از مغرب وارد سرزمین یونان شد و از مشرق حدود ممالک خود را برود سند رسانید و بزرگترین دولتی را که تا کتون نظیر آن در آسیا دیده نشده است ایجاد کرد . تمدن هخامنشی دنباله و تکمیل تمدن ماد است . در اساس این دو تمدن هیچگونه

۱ - هر تسفلد ، انبیه ملی ایران ، خطابه ای که در ۱۳ ماه اوت ۱۹۲۵ در طهران

ابراهام شد . ص ۷ .

۲ - بتاریخ صنعت قدیم ژ . پرووش . شی پیه Uh Chipier جوع شود .

تفاوتی مشهود نیست؛ فقط قدرت از دست قسمتی از ملت ایران بدست قسمت دیگر افتاد و اختلاف تمدن بقدری نامحسوس بود که یکقرن بعد از انقراض دولت ماد هم باز یونانیان مردم ایران را بنام «مادها» میخواندند و حتی پس از آن نیز نام محاربات خود را با سلاطین هخامنشی «جنگهای مادی» گذاشتند.

همانطور که چون قومی دور از تمدن بر مات متمدنی تسلط یابد بزودی مقهور تمدن ملت مغلوب میشود؛ پارسها نیز در اندک زمانی زندگانی خود را با تمدن ماد تطبیق کردند و چون این دو قوم در نژاد و طرز زندگانی و احتیاجات و روح ساحشوری نیز با یکدیگر اشتراك داشتند اخذ تمدن ماد برای پارسها آسان بود. هرچه قدرت ایرانیان در آسیا زیادتر شد جنبه استبدادی تمدن ایشان قوت گرفت و کم کم «حکومت استبدادی مطلق که مبتنی بر ستایش وجود خدائی و آسمانی شخص شاه بود در ایران استقرار یافت. ۱»

صنعت این دوره نیز مانند حکومت آن دنباله و مکمل صنعت ماد است که بالاخره وسیله تجلیل و تکریم شخص شاه گردید.

صنعت را نیز سلاطین بخود اختصاص دادند، و امروز آثاری که از دوره هخامنشی بر جای مانده همگی قصور و مقابر سلاطین است. کتیبهها و جراحیهای گوناگون که بر کوهها و دیوار قصور سلطنتی باقی مانده بهترین معرف دینداری سلاطین و خضوع ایشان در برابر اهورامزداست: معهدنا از آثار و ابنیه مذهبی هم هیچگونه اثری دیده نشده است، زیرا مذهب قدیمی آرینها که مبتنی بر ستایش عناصر طبیعی بود به معبد و ابنیه مقدس احتیاجی نداشت. هردوت می نویسد که «ایرانیان چون میخواهند خدای خود را قربانی دهند بر فراز کوهی میروند، و تمام گردی آسمان را خدائی می شمارند... ایشان را معبد و قربانگاه می نیست و کسانی را که بنیای آن پردازند دیوانه میخوانند» ۲.

پس بهترین آثار معماری هخامنشی همان قصور سلطنتی و مخصوصاً تالار

۱ - دارمستتر، نظری بتاریخ ایران، ص ۱۸

۲ - هردوت، ج ۱، ص ۱۳۱

وسیع و بلند بار عالم است که شاه در انتهای آن باشکوه و جلال و زینت بسیار، آراسته بجواهر و نقائس گرانبها در میان خیل مستحفظین و سرداران و درباریان خویش مانند وجود فوق الطبیعه‌ای در نظر رعایا جلوه گر میگشت.

ظاهر مقبره سلاطین هم باستونهای سنگی خویش صورت قصری داشته است. بهترین آثار دوره هخامنشی در فارس و مخصوصاً در حدود شیراز یعنی مرکز اصلی سلاطین هخامنشی دیده میشود. از اختصاصات اینیه این دوره ستونهای سنگی عظیم و سقفهای چوبی در گاههاست. این طرز بنا در نظر اول شاید عجیب جلوه کند ولی معماران آن زمان جز از این راه بچه وسیله نمیتوانستند عماراتی باستونهای عالی بلند که از یکدیگر فاصله زیاد داشته باشد بنا کنند و قصور حیرت انگیزی مانند قصور بازار گاد و تخت جمشید با آن عظمت و گشادگی و روشنی برپا سازند.

امتیاز و برتری قصور هخامنشی بر اینیه گلی آشوری که چون کوهی از خاک بنظر میرسد بواسطه بکار بردن همین ستونهای عظیم سنگی و سقفهای چوبی در گاههاست. شك نیست که معماران هخامنشی تغییر سبک بنائی مادی را ترجیح میداده و مایل بوده اند همانطور که ستونهای چوبی آن زمان را بستونهای سنگی مبدل کردند سقف در گاهها را نیز بسنگ مبدل سازند. ولی استعمال سنگ در سقف در گاه طبعاً موجب تنگی آنها و فواصل ستونها میشد و چون رعایت وسعت در گاه و فواصل سترنها از اصول بنائی ایشان بود نیاز درین قسمت از مادها تقاید کرده مثل پیش سقف در گاهها را از چوب ساختند. ازین گذشته قصور سلاطین ایران بقدری وسیع و بزرگ بود که هر گاه میخواستند تمام قسمتهای آنرا از سنگ بسازند مدت زیادی لازم داشت که از حوصله شاهنشاه خارج بود. چه هر شاهزاده‌ای بمحض جاوس بر تخت شروع بنای قصوری میکرد که صورت و نامش را بر دیوارهای آن حجاری میکردند و شاه جدید مایل بود که هر چه زودتر این قصور بانجام رسد و دستگاهشاهی بدانجا منتقل شود. بنا برین معماران هخامنشی برای سرعت عمل ناگزیر بودند که فقط قسمتهای اساسی بنا مانند ستونها و پایهها و زاویه‌های بنا و جررها را از سنگ بسازند و در بقیه بنا آجر یا خشت خام بکار برند.